

به نام دادار



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات و زبانهای خارجه

بررسی متن فارسی میانه «یادگار بزرگمهر» و مقایسه با ترجمه عربی آن

در «جاویدان خرد»

نگارش: کبری رضاییان

استاد راهنما: دکتر فرح زاهدی

استاد مشاور: دکتر احسان چنگیزی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

تیرماه ۹۱

تقدیم

به دو خورشید برکت بخش زندگی

پدر

ومادر عزیزم

سپاسگزاری

امروز که این پژوهش با تمام کاستیهایش (از سوی نگارنده) به پایان رسیده ، وظیفه خود می دانم از تمامی بزرگوارانی و استادانی که در انجام آن راه را برایم روشن ساختند، سپاسگزاری کنم.

سرکارخانم دکتر زاهدی که در انجام این تحقیق راهنمای من بودند. ایشان هیچگاه هدایت حکیمانه شان را از من دریغ نفرمودند و با سخاوت علمی بی نظیر در این راه قدم به قدم مرا یاری رساندند و همواره در طول تحصیل با سعه صدر فراوان چراغ راه این همیشه شاگردان بوده اند. از ایشان کمال تشکر و قدر دانی دارم .

استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر چنگیزی به خاطر پذیرش مشاوره این پایان نامه که با دقت نظر بسیار و با شکیبایی و سعه صدر فراوان، پیوسته نادرستیهای نوشتارم را گوشزد کردند بسیار سپاسگزارم.

از داور بزرگوار جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی که وجود گوهر بارشان مایه مباهات جامعه فرهنگ و ادب است ، بسیار سپاسگزارم .

در پایان از همه اساتید فرهیخته فرهنگ و زبانهای باستان، که مرا با الفبای این رشته آشنا کردند کمال تشکر دارم.

فرم گردآوری اطلاعات پایانه‌ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: بررسی متن فارسی میانه یادگار بزرگمهر و مقایسه با ترجمه عربی آن در جاویدان خرد		
نویسنده: کبری رضاییان		
استاد راهنما: دکتر فرح زاهدی	استاد مشاور: دکتر احسان چنگیزی	
نوع پایان‌نامه: <input type="checkbox"/> بیادبی توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۱-۹۲	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبایی	دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجه
تعداد صفحات: ۱۹۵	گروه آموزشی: فرهنگ و زبانهای باستانی	
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: اندرز، یادگار بزرگمهر، جاویدان خرد.		
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی: Advice، Yadgar-e- Bozorg-mehr، Jawidan-xrad.		

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت و موضوع و هدف):

یادگار بزرگمهر یکی از اندرزهایی است که در دوران اسلامی به زبان عربی ترجمه شده است. این ترجمه در کتاب جاویدان خرد ابن مسکویه موجود است و چندین بار نیز به فارسی ترجمه شده است. به نظر می‌رسد که ترجمه عربی از روی متن فارسی میانه انجام شده و در آن قسمتهایی که مربوط به دین زردشتی است حذف یا تغییر کرده است. توانایی مترجم در قرائت واژه‌ها، میزان آشنایی با ساختمان ساخت‌واژی و نحوی زبان فارسی میانه، پایبندی مترجم به مفاهیم متن اصلی و در نهایت میزان موفقیت مترجم در نقل مضامین اندرز بزرگمهر از نکات مهمی است که با بررسی اندرز بزرگمهر می‌توان به آن دست یافت.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از چارچوب نظری و پرسشها:

- ۱- چه تفاوت‌هایی میان متن فارسی میانه و ترجمه عربی وجود دارد؟
- ۲- آیا ترجمه عربی اندرز بزرگمهر در جاویدان خرد ترجمه دقیق متن فارسی میانه است؟
- ۳- مترجم تا چه اندازه توانسته مفاهیم متن فارسی میانه را در ترجمه عربی حفظ کند؟

شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتابخانه و فیش برداری از منابع و کتاب است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ظوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

چکیده

اندرزنامه‌ها مهمترین بخش ادبیات پهلوی هستند که به کلمات قصار، لطیفه‌ها و مجموعه‌ای از سفارشها و نصایح گفته می‌شوند. برخی از این اندرزهای پهلوی به صورت پرسش و پاسخ است، مانند اندرز یادگار بزرگمهر، که اندرزنامه‌ای است به زبان فارسی میانه منسوب به بزرگمهر وزیر دانای انوشیروان. این متن شامل اندرزهای اخلاقی و دینی است و شرح برخی اصول و قواعد آیینی زردشت نیز در آن آمده است. به دلیل آنکه اندرزهای ایرانی در دوره اسلامی تاثیرگذار بوده‌اند؛ نویسندگان دوره اسلامی آنها را به زبان عربی ترجمه کرده‌اند «یادگار بزرگمهر» نیز در دوره اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌گردد و بخشهایی از آن به زبان عربی در کتاب «جاویدان خرد» ابن مسکویه ترجمه و تلخیص شده است و سپس به فارسی راه یافته است. در این رساله متن فارسی میانه «یادگار بزرگمهر» بررسی و با متن عربی آن مقایسه می‌شود. هدف بررسی دقیق متن اندرزنامه و محتویات آن و تفاوت متن فارسی میانه و متن عربی است.

کلید واژه: اندرز، یادگار بزرگمهر، جاویدان خرد.

فهرست مطالب

فصل اول

- ۱-۱ مقدمه..... ۲
- ۱-۲ بیان مسئله..... ۲
- ۱-۳ پرسشها..... ۲
- ۱-۴ اهداف..... ۳
- ۱-۵ پیشینه..... ۳
- ۱-۶ اصطلاحات و مفاهیم..... ۵
- ۱-۷ روش کار و فصل بندی..... ۶

فصل دوم

- ۲-۱ متن فارسی میانه و عربی و توضیحات هر بند..... ۸

فصل سوم

- ۳-۱ افزوده‌های متن عربی..... ۱۵۴

فصل چهارم

- ۴-۱ واژه‌نامه..... ۱۶۵

فصل پنجم

- ۵-۱ ویژگیهای ترجمه عربی اندرز بزرگمهر..... ۱۸۰
- ۵-۲ نتیجه گیری..... ۱۸۹
- کتابنامه..... ۱۹۰
- چکیده انگلیسی:..... ۱۹۲

فصل اول

۱-۱ مقدمه

از مهمترین نوشته‌هایی که از متون فارسی میانه روزگاران پیشین بر جای مانده چند نوشته و رساله از نوع سخنان کوتاه حکمت‌آمیز به نام اندرزنامه یا پند نامه است که تاریخ تدوین آنها به صورت کنونی از قرنهای نخستین اسلام می‌دانند (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۲۵۹) و این اندرزنامه‌ها مهمترین بخش ادبیات پهلوی را تشکیل می‌دهند. بسیاری از اندرزها، کلمات قصار و لطیفه‌ها و قصه‌های اخلاقی که جنبه حکمت عملی و تجربی داشته‌اند، پس از اسلام مورد توجه دانشمندان ایرانی مسلمان قرار گرفته و در کتابهای ادب و اخلاق و تاریخ به عربی ترجمه شده و بعضی از آنها به فارسی راه یافته است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۰۱). این اندرزها به دلیل اینکه در دوره اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند نویسندگان دوره اسلامی آنها را به زبان عربی ترجمه کرده‌اند. یکی از متون اندرزی که به زبان عربی ترجمه شده است اندرز یادگار بزرگمهر است که در دوره اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و ابن مسکویه در کتاب جاویدان خرد آن را به عربی ترجمه کرده است که تقریباً جمله به جمله قابل تطبیق با متن اصلی است.

۲-۱ بیان مسئله

یادگار بزرگمهر یکی از اندرزهایی است که در دوران اسلامی به زبان عربی ترجمه شده است. این ترجمه در کتاب جاویدان خرد ابن مسکویه موجود است و چندین بار نیز به فارسی ترجمه شده است. به نظر می‌رسد که ترجمه عربی از روی متن فارسی میانه انجام شده و در آن قسمتهایی که مربوط به دین زردشتی است حذف یا تغییر کرده است. توانایی مترجم در قرائت واژه‌ها، میزان آشنایی با ساختمان ساخت واژی و نحوی زبان فارسی میانه، پایبندی مترجم به مفاهیم متن اصلی و در نهایت میزان موفقیت مترجم در نقل مضامین اندرز بزرگمهر از نکات مهمی است که با بررسی اندرز بزرگمهر می‌توان به آن دست یافت.

۳-۱ پرسش‌ها:

۱-۳-۱ چه تفاوت‌هایی میان متن فارسی میانه و ترجمه عربی وجود دارد؟

۲-۳-۱ آیا ترجمه عربی اندرز بزرگمهر در جاویدان خرد ترجمه دقیق متن فارسی میانه است؟

۳-۳-۱ مترجم تا چه اندازه توانسته مفاهیم متن فارسی میانه را در ترجمه عربی حفظ کند؟

۱-۴ اهداف:

هدف از انجام این پژوهش میزان آشنایی نویسندگان دوران اسلامی با اندرزنامه‌ها و ساختمان دستوری زبان فارسی میانه و توانایی آنها در انتقال مفاهیم و مضامین اندرزنامه‌ها و نیز پابندی به حفظ مفاهیم اصلی آنهاست.

۱-۵ پیشینه تحقیق:

متن فارسی میانه «یادگار بزرگمهر» در کتاب Pahlavi text درج شده است. از این اندرزنامه یک متن پهلوی موجود است که نخستین بار در مجموعه متون پهلوی به وسیله دانشمند پارسی «جاماسب دستور مینوچهر جی جاماسب آسانا» در سال ۱۸۹۷ در بمبئی به چاپ رسیده است و جلد دوم آن توسط دانشمند «بهرام گور تهمورث انکلساریا» در سال ۱۹۱۳ در بمبئی انتشار یافت. هنینگ (۱۹۵۶) در مقاله‌ای درباره ترجمه عربی برخی اندرزها سخن رانده است. دوفوشه کور (۱۹۸۶) در کتاب «اخلاقیات» درباره اندرزهای پیش از اسلام و تاثیر آنها بر ادبیات دوره اسلامی سخن گفته است. شائول شاکد (۱۹۸۵) و ذبیح الله صفا (۱۳۶۸) درباره اندرز پیش از اسلام و پس از اسلام مقاله‌ای نوشته‌اند. مزدپور (۱۳۸۶) در کتاب «اندرزنامه‌های ایرانی» در باره اندرز و اندرزنامه‌های ایرانی سخن گفته است. این متن را ماهیار نوابی در سال ۱۳۳۵ و فرهاد آبادانی در سال ۱۳۵۰ و سپس سعید عریان در سال ۱۳۷۱ آن را به فارسی برگردانده‌اند.

مجموعه‌ای از اندرزهای پهلوی به عربی در مجموعه‌ای به نام جاویدان خرد گرد آمده است که ابن مسکویه (۴۲۱ هجری) این اندرزها را به عربی ترجمه کرده است. بهروز ثروتیان (۱۳۵۹) با استفاده از ترجمه فارسی کتاب محمد تقی ارجانی شوشتری متن عربی جاویدان خرد را از کتاب «الحکمة الخالده» ابن مسکویه به فارسی ترجمه کرده است. محمد تقی دانش‌پژوه (۱۳۵۸) نیز با استفاده از ترجمه فارسی کتاب شرف الدین عثمان قزوینی متن عربی جاویدان خرد را از کتاب «الحکمة الخالده» ابن مسکویه به فارسی برگردانده است و بهروز ثروتیان (۱۳۸۷) در مجموعه‌ای به نام خردنامه‌های ایران باستان این متن را به فارسی ترجمه کرده است و تاکنون متن عربی اندرز بزرگمهر با متن فارسی میانه آن مقایسه و مقابله نشده است.

۱-۶ اصطلاحات و مفاهیم

۱-۶-۱ فارسی میانه:

دوره میانه زبان‌های ایرانی از سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح، سال سقوط سلسله هخامنشیان آغاز و به سال ۸۶۷ میلادی، سالی که یعقوب لیث صفاری زبان فارسی دری را زبان رسمی ایران کرد، پایان می‌پذیرد.

زبانهای این دوره به دو گروه یعنی گروه ایرانی میانه غربی و گروه ایرانی میانه شرقی تقسیم می‌شوند. گروه اول شامل فارسی میانه و پهلوی اشکانی است و گروه دوم زبان های بلخی، سکایی، سغدی و خوارزمی را در بر می‌گیرد.

به زبانی که متون پهلوی دوره ساسانی تا قرن سوم، بدان نوشته شده و الفبای آن از اصل آرامی بوده فارسی میانه زردشتی، فارسی میانه کتابی، پهلوی زردشتی و پهلوی کتابی می‌گویند. این زبان، زبان رسمی ایران در دوره ساسانیان بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

۱-۶-۲ اندرز و اندرزنامه:

اندرز به گفته‌ها و سخنان حکیمانه‌ای اطلاق می‌شود که اغلب بزرگی برای راهنمایی فرزند یا شاگرد، مومنان، عامه مردم و منصبی خاص فرموده باشد (مزدپور، ۱۳۸۶: ۱۱). اندرز به سبب درونمایه آموزشی خود رو به آینده دارد (دوفوشه کور، ۱۳۸۶: ۱۸) و اندرزنامه صورت اولیه کتابهای اخلاقی در زبان فارسی است و نزدیکترین ادبیات حکمی به اندرزنامه‌های فارسی، آثار مکتوب پهلوی است که زمان نگارش این آثار متاخر است و ریشه این نوشته‌های پهلوی به جهان باستان ایران زردشتی می‌رسد (همان: ۱۹). اخلاقیات مهمترین بخش ادبیات پهلوی را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که مشخصه بارز این ادبیات خصوصا از جهت تاثیری که بعدا در دوره اسلامی در کتابهای ادب و اخلاق عربی و فارسی گذاشته است، اندرزنامه‌ها است و بیشتر این اندرزها به شاهان و بزرگان و موبدان تاریخی نسبت داده می‌شود مانند: جمشید، آذر نرسه و بزرگمهر. (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۸۰، ۱۹۳).

۱-۶-۳ اندرز یادگار بزرگمهر:

واژه یادگار که در فارسی، به معنی آنچه یار و دوست به هم طریق تحفه می‌فرستند (خلف تبریزی، ۱۲۷۸، مدخل یادگار) در فارسی میانه *a y A d a g A r* است و در ایرانی باستان به این صورت است: *a b i -y A -t a -k A r a* (Biley, 1979: 308) «یادگار بزرگمهر» اندرزنامه-ای است منسوب به بزرگمهر بختگان، متن با مقدمه‌ای در معرفی بزرگمهر از زبان خود او آغاز می‌گردد که در آن پس از ذکر القاب خود می‌آورد، که این رساله را به فرمان خسرو انوشیروان تالیف کرده و در

گنج شاهی نهاده است. سپس شرحی در بی‌دوامی امر گیتی و ثبات و دوام پارسایی کارهای نیک می‌آورد. اندرزها به صورت سوال و جواب است. سوال‌ها را خود طرح می‌کند و خود به آنها پاسخ می‌گوید. بعضی از اندرزهای این مجموعه اخلاقی تجربی و بعضی از نوع اندرزهای دینی زردشتی است (تفضلی، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

۱-۶-۴ بزرگمهر:

بزرگمهر حکیم، وزیر دانای انوشیروان، شخص معما مانند و مرموزی است (کریستن سن، ۱۲۷۹: ۲۰) که همواره نمونه موبدان یعنی مشاوران دانشمند پادشاه بوده است (دوفوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۸). به نظر شرقیان وجود تاریخی بزرگمهر و انوشیروان هر دو یکسان است ولی علمای اخیر غرب عقیده دارند که او جز شخص موهوم و کاملاً افسانه‌ای بیش نیست (کریستن سن، ۱۲۷۹: ۲۱). ادبیات پهلوی و عربی و فارسی او را به خسرو انوشیروان نسبت می‌دهد و اینکه او یک افسانه و یک آواتار از برزویه است که پزشک دربار خسرو انوشیروان بوده است و کلیله و دمنه را از سنسکریت به پهلوی ترجمه کرده است. در یک مطالعه عمیق، کریستین سن از طریق «نهایة العرب فی أخبار الملوك الفرس و العرب» و «الحکمة الخالدة» ابن مسکویه اثبات می‌کند که هیچگاه داستانی به زبان پهلوی وجود نداشته که تمام زندگی بزرگمهر را توصیف کند و آنچه وجود دارد حکایاتی هستند که حوادثی بوده است که در دربار خسرو اتفاق افتاده است یا نکات اخلاقی و سیاسی که به نام اوست که از یکدیگر مستقل است و این حکایات بعدها به زبان عربی نوشته شدند و نهایت دو کتاب به زبان پهلوی به بزرگمهر نسبت داده شد، یکی پندنامک بزرگمهر که شامل اندرز و نصایح بزرگمهر است و دیگری مادیکان چترنگ که شرح بازی شطرنج است (Grignashi, 1978: 10).

۱-۶-۵ ابن مسکویه و جاویدان خرد:

احمد بن محمد مسکویه مؤلف کتاب جاویدان خرد که به نقل یاقوت در ۹ صفر ۴۲۱ هجری بدرود زندگی گفته از خاندانی ایرانی و زرتشتی بوده که خود یا پدرش به دین اسلام گرویده و در دستگاه ابن عمید و پسرش ابوالفتح به کار دبیری پرداخته است. او چنانکه خودش در تجارب الامم نوشته، مدت هفت سال شبانه روز در خدمت ابن عمید وزیر رکن الدوله به سر برده و سرپرستی کتابخانه او را بر عهده داشته و به همین جهت به «خازن» معروف شده و او را غالباً با کنیه ابو علی خازن خوانده‌اند. ابن عمید از مردم قم و یکی از وزیران با تدبیر و هوشمند دربار دیلمیان بوده که گذشته از خردمندی و فرزاندگی از نویسندگان نامی و بزرگ زبان عربی نیز به شمار می‌رفته است تا جایی که صاحب نظران در فن نویسندگی عربی گفته‌اند: «فن نویسندگی در عربی با عبدالحمید آغاز شد و با ابن عمید پایان یافت.» این وزیر دانشمند به جمع و مطالعه کتاب علاقه‌ای فراوان داشت به طوری که در هر

سفر چندین بار کتاب با خود برمی‌داشت، و به سبب علاقه و دلبستگی بود که کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورده بود که افزون از یکصد بار کتاب داشت.

واز آنجا که وزیران ایرانی در همه دوره‌های اسلامی، چه در دستگاه خلافت یا در دولتهای محلی همیشه دولت ساسانی و روش کشورداری پادشاهان معروف آن دوران را سرمشق خویش قرار می‌داده‌اند، و غالباً مردانی فاضل و دانش دوست هم بوده‌اند از این رو به جمع کتابها و رساله‌هایی که در این زمینه‌ها و یا در زمینه‌های تربیت و آداب و اخلاق از پادشاهان و یا بزرگان ایران روایت می‌شده دلبستگی داشته‌اند، و بدین ترتیب می‌توان گفت که در کتابخانه بزرگ ابن عمید مجموعه‌های مهمی از کتابها و رساله‌هایی که در زمینه‌های ادب و اخلاق از آثار پیشینیان از دوره ساسانی به زبان عربی ترجمه شده بود و شاید هم اصول فارسی و پهلوی آنها نیز وجود داشته است و به همین جهت هم هست که اصول فارسی و پهلوی آنها نیز وجود داشته است و به همین جهت هم هست که در تألیفات مسکویه که مدت هفت سال مداوم با آن کتابها سر و کار داشته آثاری از نوشته‌های ساسانی می‌یابیم که در مؤلفات دیگر اسلامی دیده نمی‌شود، و از آن جمله است همین کتاب «جاودان خرد» که چنانکه گفتیم در آن ترجمه عربی تعدادی از اندرزنامه‌ها و حکمت و ادب ایران محفوظ مانده است.

از میان همه تألیفات مسکویه در حکمت و اخلاق این دو کتاب یعنی «تهذیب الاخلاق» و «جاودان خرد» دارای اهمیت و خصوصیتی جداگانه هستند.

مسکویه در کتاب جاویدان خرد خود پس از سخن کوتاهی درباره شناخت نفس در اشاره به همین مطلب گوید: «اگر نبود که من اصول را به تمامی در کتاب خود موسوم به تهذیب الاخلاق به طور وافی بیان کرده‌ام بر خود فرض می‌دانستم که آنها را در اینجا یاد کنم، ولی غرض ما در این کتاب بیان جزئیات آداب است با مواعظ حکیمان هر ملت و مردم و ما در این امر از مؤلف کتاب «جاودان خرد» پیروی کردیم همچنانکه در آغاز کتاب هم وعده کردیم».

از تحریر عربی اندرز بزرگمهر، کاملترین و قدیمی‌ترین نسخه‌ای که در دست است جاویدان خرد ابن مسکویه است و آن مجموعه‌ای است که احمد بن مسکویه از ادب و حکمت ایران و هند و روم و عربی فراهم آورده و در بخش مربوط به حکمت ایرانیان برگزیده‌ای از ترجمه‌های اندرزها و آثار اخلاقی را نقل کرده و آن را به مناسبت نام نخستین رساله ایرانی آن «جاویدان خرد» نامیده است. که اصل ترجمه قدیمی‌تر از تاریخ تألیف این کتاب یعنی قرن چهارم هجری است زیرا مسکویه خود مترجم این قطعه به عربی نیست بلکه کار او جمع‌آوری این مطالب و مضامین بوده است. نسخه‌ای که به واسطه مسکویه به ما رسیده است، قدیمی‌ترین ترجمه مستقیمی است که از متن فارسی میانه به عمل آمده است و ترجمه فارسی آن متن پس از ترجمه عربی صورت گرفته است. عنوان این نسخه «الحکمة الخالده» است و نسخه‌ای که

از این پندنامه در اختیار مسکویه بوده بزرگتر و مفصل تر از این قطعه موجود بوده است و عنوان این قطعه در این کتاب «ما أخترت من آداب بزجمهر» است؛ یعنی آنچه من از آداب بزرگمهر برگزیدم و از این عنوان چنین فهمیده می‌شود که این قطعه منتخباتی است که مسکویه از «پندنامه بزرجمهر» که در عربی به نام «آداب بزرجمهر» خوانده می‌شده است گرد آورده است (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۳۴۲، ۳۴۳). مترجم مطالب زیادی از این اصل کتاب را حذف نکرده است تنها مطالبی که مربوط به دین زردشتی بوده را حذف کرده یا طبق اعتقادات زمان خود به عربی برگردانده است که در اصل مطلب تصرفی ایجاد نشده است.

۱-۷ شیوه کار و فصل بندی رساله:

این پژوهش که به بررسی متن فارسی میانه «یادگار بزرگمهر» و مقایسه با ترجمه عربی آن در «جاویدان خرد» می‌پردازد شامل پنج فصل است که روش به کار رفته در تنظیم هر فصل به شرح زیر است: فصل اول، شامل مقدمه، بیان مسئله، تعریف مفاهیم اختصاصی، پرسش‌ها، اهداف و پیشینه تحقیق می‌باشد. فصل دوم متن فارسی میانه و عربی و توضیحات هر بند است. متن فارسی میانه برگرفته از نسخه‌دستور جی جاماسب آسانا، ۱۹۱۳م است و متن عربی برگرفته از نسخه «الحکمة الخالده» - که به تصحیح عبد الرحمن بدوی است. ابتدا پرسش و پاسخ فارسی میانه، آوانویسی و ترجمه آن آمده و سپس پرسش و پاسخ عربی و ترجمه‌های فارسی آن ذکر شده است و شماره هر پرسش و پاسخ در بالای آن آمده است. آوانویسی متن فارسی میانه طبق روش مندرج در واژه‌نامه مکتزی است و پس از آن ترجمه‌های فارسی موجود به ترتیب تاریخ ترجمه و بعد پرسش و پاسخ عربی و ترجمه‌های فارسی که از این متن عربی موجود بوده نیز طبق تاریخ ترجمه آنها ذکر شده است و در پایان ترجمه‌ای نسبتاً روان از عبارت فارسی میانه و عربی آن که با توجه به ترجمه‌های ذکر شده انجام شده آمده است و توضیحات هر بند در ذیل آن ذکر شده است. در فصل سوم افزوده‌های متن عربی آمده است یعنی آن عبارت‌های عربی که معادل آنها در فارسی میانه ذکر نشده و مترجم خود افزوده است.

در فصل چهارم واژه‌نامه مقایسه‌ای تنظیم شده است که پهلوی، عربی، فارسی است و واژه‌نامه‌ای بسامدی است که به ترتیب الفبای انگلیسی تنظیم شده است. فصل پنجم مربوط به نتیجه‌گیری است، که ابتدا ویژگی‌های کلی ترجمه عربی اندرز بزرگمهر ذکر شده و بعد از نتیجه به دست آمده از پژوهش به طور مختصر سخن گفته شده است. در آخر کتابنامه آمده که شامل منابع و مآخذ استفاده شده در این پژوهش است.

فصل دوم

۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰
 ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰

j a d a g l n e k b a w A d A n l w e h p a d t a n
 r u w A n u d x w A s t a g E d O n b a w A d .

نوابی: مروای نیک باد، مروائی به، به تن، روان و خواسته . ایدون باد

آبادانی: نیکی بر ساد به تن و روان (= جان) آنانی که خواسته و هستی خود را به ره نیک صرف نمایند.
 ایدون باد (= این چنین باد).

عریان: فال نیک باد آن به تن، به روان و به خواسته را. ایدون باد.

— بخت نیک باشد، به تن و روان و خواسته آن [مرد] نیک. چنین باشد.

۱.

۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰
 ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰
 ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰
 ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰
 ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰

man wuzurgmihr l bOxtagAn,
 nEWAnbed¹ SabestAn Sahr l
 OstlgAn husraw, darlg-bed², En
 ayadagAr pad ayArIh nErOg l
 yazdAn ud abArIghar mEnOg, weh
 hamOg az framAn-dAd husraw SAhAn
 SAh, frahang weh bUdan SAYistan
 OySan kE pad padIrliftArIh l az
 abargarAn hu-brEhEniSnIhA ud
 arzAnIghIhAabar brEhEnId EstAd
 rAy kard ud pad ganj l SahlgAn
 nIhAd.

نوابی: من بزرگمهر بختگان، دیوانبد شبستان شهر استیکان خسرو، دریگبد، این یادگار به یاری و
 نیروی یزدان و دیگر مینویان به آموز، به فرمان خسرو شاهنشاه، بهبود فرهنگ [را] و شایسته شدن آنها را


¹ - قرائت برخی از صفات و عناوین بزرگمهر مشخص نیست. بر سکه‌های ساسانی عنوان nEWAnbed به معنی «نیوانبد، رئیس
 دلیران» برای شاپور درج شده است (Gyselen, 2007: 393)؛ شاکد چند واژه آغازین را چنین آوانویسی و معنی کرده است (idem, 1975: 223-224; Shaked, 1987: 128)

man wuzurgmihr l buxtagAn, nEWAn pad
 t <an>Sabi stAn <l>Sahr l ostlgAn-xusrO darlg-bed
 ...

من، بزرگمهر بختگان، خواجه مخصوص دلیرا (؟)، دریگبد شهر استیکان خسرو ...

بیلی (xliii:1971) واژه فارسی‌میانه tpvyn را zanlnpat واج‌نویسی کرده و آنرا گونه دیگری از
 zanAnpat دانسته و عبارت را چنین ترجمه کرده است: «یادگار بزرگمهر بختگان، نگهبان زنان، امین شهر، رئیس
 دربار خسرو» اما هیچگونه توضیحی برای قرائت ارائه شده نمیده.

نوابی: (۱۳۳۸: ۳۰۵) معتقد است <wyw>npt ظاهراً تحریفی است برای <nptdyw> dEWAnbed، دیوانبد
 یعنی حاجب که می‌تواند با دیوانبگ سنجیده شود. عربان (۱۳۷۱: ص ۲۹۹) بدون ذکر دلیل، این واژه را تصحیح کرده و آن را
 dEWan - bEd قرائت کرده و اینگونه ترجمه کرده است: من بزرگمهر بختگان دیوانبد شبستان.....

۲- متن:  ؛ دستنویس TD, JU (جاماسب آسانا، ۱۹۱۳: ۸۵ ی ۶).

که به پذیرفتاری از برگران (= بخشنده سرنوشت) به خوبی و ارجمندی آفریده شده اند، [آماده] کرده و به گنج شایگان (= جایگاه شاه) نهاد.

آبادانی: من بزرگمهر بختگان دستور (= وزیر) شبستان شهر استیکان (= استوار، مبارک) خسرو و نوشیروانماین یادگار را به یاری [و] نیروی یزدان و همراهی سایر مینوان وه (= خوب) آموز [و] به فرمان خسرو [دادگر] شاهنشاه [نوشتم] تا برای بهبود فرهنگ و شایسته شدن کسانی که به پذیرفتاری تقدیری ارجمندی آفریده شده اند [نوشته] و [آن را] به گنج شایگان نهادم.

عریان: من بزرگمهر بختگان، دیواند شبستان شهر استیکان خسرو، و دریگ بد، این یادگار را به یاری و نیروی ایزدان و دیگر همه مینویان، برای آموزش نیکو و به فرمان داده شده خسرو شاهنشاه برای بهبود و شایستن فرهنگ آنان که بنابر پذیرفتاری (پذیرش) ایزدان عالی مقام به نیکو آفرینشی و شایستگی فراز آفریده شده اند، کردم [به وجود آوردم] و به گنج شایگان نهادم.

— من بزرگمهر بختگان، رئیس درباریان شهر استیکان خسرو، دریگبد (= رئیس تشریفات)، این یادگار را به یاری [و] نیروی ایزدان و همه ی مینویان دیگر، نیک برابر با فرمان داده شده [ی] خسرو شاهنشاه، برای نیک بودن فرهنگ [و] برای شایستن آنان که با پذیرش [فرمان] از ایزدان، به آفرینشی نیک و به شایستگی آفریده شده اند، کردم (= نوشتم) و به گنج شایگان نهادم.

۲.

۱۶۵۹ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱

č i y O n x l r l g E t l g h a m A g s a z l S n l g
u d w i S O b i S n l g l h u d w a r d i S n l g O y -
i z k E y a z d A n p A y E d ¹, u - S } p a d { ²
d a h i S n ³ p a d i S d a h E d , t u x S i S n - i z
> l < a - r a n j l h A p a d i S f r a y A d E d , s t O r
⁴{ u d } x l r h a n d O z E d u d O m a h i s t k A r
u d p A d i x S a y l h r a s E d a b a r d o m l h { A }
g l r E d u d w u z u r g d o m n A m x w A h E d u d
n A m l g l h A d o m k A r a b r O z i S n l h m A n
u d m E h a n k u n E d , u - S d r A z z l n d a g l h
a b z A y i S n l f r a z a n d u d p a y w a n d u d
w u z u r g u m m E d l h { u d } n E k - d a h i S n l h ⁵,
p a d k A r u d } p a d { ⁶ d A d e s t A n u d s U d l
m a r d O m A n u d p A y i S n l d A m l k A r
p A d i x S A y l h u d a b A r l g - i z h a m A g
f a r r O x l h a n d a r g E t l g E k O d i d
g u g A y u d h a m - d A d e s t A n .

۱- این واژه که در متن **سوسو** آمده در اینجا به صورت p A y E d آوانویسی گردید. نوبی آن را با واژه قبل یک واژه مرکب در نظر گرفته و «شاهاناف» معنی کرده است (نوبی، ۱۳۳۸: ص ۳۰۵) و عریان این واژه را p A y E d قرائت کرده و به معنی پیاید گرفته است (عریان، ۱۳۷۱: ص ۲۹۹).

۲- در دستنویس TD و JU حرف اضافه **س** حذف شده است (جاماسب آسا، ۱۹۱۳: ۸۵ ی ۲۱).

۳- نوبی واژه **سوسو** را j a h i S n خوانده است و بخت معنی کرده است (نوبی، ۱۳۳۸: ۳۰۵)؛ عریان واژه **سوسو** را d a h i S n خوانده است و بخشش معنی کرده است (عریان، ۱۳۷۱: ۲۹۹).

۱- متن: **سوسو**؛ دستنویس JU: **سوسو** (جاماسب آسانا، ۱۹۱۳: ۸۵، ی ۲۵)؛ نوبی و عریان این واژه را همرا با واژه بعد «مال ستر» معنی کرده‌اند (نوبی، ۱۳۳۸: ۳۰۵؛ عریان، ۱۳۷۱: ۲۹۹). s t a b r به معنی «خشن، قوی» است (مکتزی، ۱۹۷۷: ۷۷) و در اینجا به عنوان صفت X l r مناسب به نظر نمی‌رسد.

۲- متن: **سوسو سوسو**؛ دستنویس JU و TD: **سوسو** (جاماسب آسا، ۱۹۱۳: ص ۸۶، ی ۲۹).

۳- در دستنویس TD و JU حرف اضافه **س** حذف شده است (جاماسب آسا، ۱۹۱۳: ۸۶، ی ۳۰).